به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در حاشیه بازسازی صحنه سرقت در جمع خبرنگاران حاضر شد و در شرح حادثه گفت: با گذشت دو ماه از زمان سرقت مسلحانه، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی موفق شدند هر دو سارق مسلح را شناسایی و دستگیر کنند. وی با اشاره به اینکه با دستگیری این متهمان، آمار سرقت از طلافروشی‌ها به صورت مسلحانه در تهران صفر شد، ادامه داد: دهم خرداد ماه، دو سارق مسلح نقابدار با حضور در خیابان عباسی که به عنوان بورس طلا و جواهر در جنوب تهران معروف است، اقدام به سرقت ۵ کیلوگرم طلا از ویترین و گاوصندوق مغازه طلافروشی کرده و پس از تیراندازی، از محل حادثه متواری شدند. بعد از آن بود که کارآگاهان اداره یکم آگاهی دستگیری متهمان را در دستور کار خود قرار دادند و مشخص شد سارقان علاوه بر این سرقت، بیست و هفتم بهمن‌ماه سال ۹۵ نیز اقدام به سرقت مسلحانه دیگری از یکی از همین طلافروشی‌ها کرده و با همین شیوه و شگرد از محل حادثه متواری شده بودند. سردار رحیمی افزود: با گذشت دو ماه فعالیت اطلاعاتی و عملیاتی، سرانجام کارآگاهان موفق شدند رد هر دو سارق جوان را بزنند و سرانجام شامگاه سه‌شنبه ۳۱ مردادماه هر دو سارق را در مخفیگاهشان در شرق تهران شناسایی کنند.

بازداشت ۲ سارق مسلح پیش از سومین سرقت

قصد جهانگردی و خوشگذرانی داشتیم!

دو سارق مسلح که به ۲ طلافروشی در تهران دستبرد زده بودند، صبح دیروز صحنه سرقت را بازسازی کردند.

گفت‌وگو با متهمان

خودت را معرفی کن؟

نعمت هستم ۲۶ سال سن دارم.

شما طراح سرقت‌های مسلحانه بودی؟

بله.

با همدستت کجا آشنا شدی؟

ما هر دو بچه یک محل هستیم. از دوره دوم ابتدایی با هم دوست بوده‌ایم. ما هر دو در دوران دبیرستان رشته نقشه‌کشی انتخاب کردیم و دوست داشتیم مهندس شویم، اما عاقبت فرار از مدرسه ما را طراح نقشه سرقت از طلافروشی کرد.

چرا از مدرسه فرار کردید؟

رابطه با دوستان ناباب.

چه شد که تصمیم گرفتید از طلافروشی سرقت کنید؟

ما دو نفر، قبل از سرقت از طلافروشی جوادیه، سی دی می‌فروختیم. هر سی دی را ۲۰۰ می‌خریدیم و ۱۰۰۰ تومان می‌فروختیم تا اینکه اواخر سال گذشته سی‌دی‌های ما را گرفتند و بیکار شدیم. همین موضوع بهانه‌ای شد تا نقشه سرقت از طلافروشی را طراحی کنیم. قصد داشتیم یک شبه پولدار شویم، اما نشد.

چرا از بانک سرقت نکردید و از طلافروشی سرقت کردید؟

سرقت از بانک ریسک بالایی دارد. بانک‌ها معمولاً نگهبان مسلح دارند و از طرفی هم پول‌های بانک شمارش و سریال پول‌ها مشخص شده است، به همین دلیل احتمال به دام افتادن خیلی بالا است.

اسلحه را از کجا تهیه کردید؟

قبل از سرقت اول، دو اسلحه هر کدام به قیمت یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خریدم که یکی از آنها قلابی بود، اما بعد از سرقت دوم یک اسلحه از یکی از دوستانمان به قیمت ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان با تعدادی فشنگ خریدیم.

چه شد که طلافروشی اول را برای سرقت انتخاب کردید؟

ما به صورت اتفاقی انتخاب کردیم.

چند روز قبل از سرقت نقشه را طراحی کردید؟

روز قبل به نزدیک طلافروشی رفتیم و قصد داشتیم دستبرد بزنیم که مشتری داخل مغازه بود، به همین دلیل آن روز منصرف شدیم. روز حادثه دوباره به نزدیک مغازه رفتیم و من به بهانه خرید طلا وارد مغازه شدم. وقتی صاحب طلافروشی متوجه نیت من شد، مجبور شدم او را با تفنگ تهدید کنم. او قصد داشت با من مقابله کند که با ته تفنگ به سرش زدم. من آنقدر با ته تفنگ به سرش زدم که خشاب اسلحه داخل مغازه افتاد و اصلاً اسلحه گلوله‌ای نداشت. وقتی از مغازه بیرون آمدیم با اسلحه بدون خشاب مردم را تهدید کردم و آنها هم از ترس جلو نیامدند.

چقدر طلا سرقت کردید؟

از طلافروشی اول ۴۰۰ گرم و از طلافروشی دوم، یک کیلو ۷۵۰ گرم سرقت کردیم که در کل ۹۵ میلیون تومان گیر ما آمد که بین هم تقسیم کردیم.

اما صاحب طلافروشی اول گفته که یک کیلو و ۳۰۰ گرم و صاحب طلافروشی دوم گفته ۵ کیلو و ۸۰۰ گرم شما سرقت کرده‌اید؟

البته مالخر سر ما کلاه گذاشت و وزن طلاهای سرقتی را همان اندازه که گفتم به ما اعلام کرد، اما مقداری که صاحبان طلافروشی می‌گویند، درست نیست. از طرفی هم طلافروشی‌ها دوربین مداربسته دارند و معلوم است ما چقدر طلا سرقت کردیم.

پول طلاها را چه کار کردید؟

بیشتر صرف خوشگذرانی شد. ما دو نفری خانه مجردی اجاره کردیم. ابتدا دو موتور سیکلت هر کدام به مبلغ ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خریدیم و بعد شروع به خوشگذرانی کردیم. مثلاً لباس‌های مارک‌دار می‌خریدیم و به مسافرت رفتیم. همدستم خیلی دوست داشت به مسافرت برویم و به همین دلیل به شیراز رفتیم و کلی پول خرج کردیم. ما حتی قصد داشتیم بعد از سفر به جاهای دیدنی ایران به کشورهای ارمنستان و ترکیه برویم و جهانگردی کنیم که دستگیر شدیم.

قصد فرار به خارج از کشور نداشتید؟

نه چون فکر نمی‌کردم دستگیر شویم. اما من خیلی دوست داشتم به خارج بروم و یک‌بار هم قبل از سرقت به کشور آلمان رفتم، اما کاری پیدا نکردم و دوباره به ایران برگشتم.

وقتی به سوی مردم شلیک کردی، فکر نمی‌کردی کسی به قتل برسد؟

به صورت اتفاقی شلیک شد. وقتی به موتور سیکلت رسیدیم همدستم ساک طلاها را روی زمین گذاشت تا موتورسیکلت را روشن کند. مردم به طرف ما حمله کرده بودند و من هم هنگامی که خم شدم ساک را بردارم و سوار موتور شوم، ناخودآگاه دستم روی ماشه رفت و شلیک شد.

شما خودت را معرفی کن؟

من میثم هستم و ۲۶ سال سن دارم.

چه شد که به فکر سرقت مسلحانه افتادید؟

وسوسه پولدار شدن.

قصد داشتی با پول‌های سرقتی چه کار کنید؟

قصد داشتیم بعد از چند سرقت با پول‌های آن مغازه‌ای بخریم و یک سوپر مارکت بزنیم.

اما به گفته همدستت همه پول‌ها را خرج خوشگذرانی کردید؟

بله. من علاقه زیادی به مسافرت دارم، اما تصمیم داشتیم در سرقت‌های بعدی پول‌ها را خرج نکنیم، هر چند پول باد آورده را باد می‌برد.

پس تصمیم به سرقت جدید هم داشتید؟

بله. قرار بود همین امروز به طلافروشی در جنوب تهران دستبرد بزنیم که شب قبل مأموران ما را دستگیر کردند.

کجا دستگیر شدید؟

در خانه مجردی‌مان بودیم که مأموران ما را دستگیر کردند.

شما و دوستت سابقه دارید؟

نه. ما اصلاً سابقه نداریم.

معتادی؟

بله. من و همدستم گاهی تریاک می‌کشیم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه، فکر نمی‌کردیم به این زودی شناسایی و دستگیر شویم. اگر می‌دانستیم حتماً مخفیگاه‌مان را تغییر می‌دادیم و از تهران فرار می‌کردیم.

شما هم قبل از سرقت سی‌دی فروشی می‌کردی؟

بله. ما هر دو سی‌دی می‌فروختیم، اما قبل از آن هر دو در یک صحافی هم کار کرده بودیم که حقوق خوبی نداشت.

حرف آخر؟

خیلی پشیمان هستم. کاش کار آبرومندانه‌ای انتخاب می‌کردم و الان گرفتار نشده بودم. فقط می‌دانم که بار کج به منزل نمی‌رسد.

کسی جرئت دخالت نداشت

صاحب طلافروشی خیابان جوادیه که بهمن ماه سال قبل طلافروشی‌اش مورد دستبرد مسلحانه دو سارق قرار گرفت، در حاشیه بازسازی صحنه سرقت مسلحانه به خبرنگار ما گفت: من ۴۰ سال است طلافروشی دارم و در این مدت هیچ‌وقت مورد دستبرد سارقان قرار نگرفتم تا اینکه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه شامگاه ۲۶ بهمن ماه سال قبل دو سارق مسلح به طلافروشی‌ام دستبرد زدند. آن شب در حال تعطیل کردن مغازه بودم که پسر جوان قد کوتاهی پشت ویترین مغازه‌ام آمد و زنجیر و پلاکی که به اسم مادر بود، قیمت گرفت. به پسر جوان گفتم که مغازه را تعطیل کرده‌ام، اما او اصرار کرد این زنجیر طلا را برای مادرش می‌خواهد بخرد. وقتی با اصرار او روبه‌رو شدم در مغازه را باز کردم و وقتی وارد شد در مغازه را دوباره بستم. پسر جوان چند قطعه دیگر طلا را هم قیمت گرفت و بعد قیمت زنجیر و پلاک مادر را سؤال کرد. من متوجه حرکات مشکوک او شدم و در را باز کردم و از پسر جوان خواستم بیرون برود که ناگهان از پشت گردنم را گرفت و اسلحه کلتی روی سرم گذاشت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنم. سارق مسلح با ته تفنگ مدام به سرم ضربه می‌زد تا اینکه احساس خنکی کردم و فهمیدم ته تفنگ او سرم را شکافته و خون جاری شده است. در همین هنگام همدست سارق که کلاه‌کاسکت به سر داشت از موتورسیکلتش پیاده و وارد مغازه شد.

او با لگد چندین ضربه به من زد و بعد در حالی که همدست او با اسلحه روی سرم نشسته بود و مرا کتک می‌زد سارق نقابدار تمامی طلاها را که حدود یک کیلو و ۳۰۰ گرم بود، داخل کیسه‌ای ریخت. مرد مسلح قصد داشت مرا داخل مغازه حبس و فرار کند که از دام آنها فرار و از مردم درخواست کمک کردم.

وی ادامه داد: دو سارق وقتی با فریادهای کمک‌خواهی من روبه‌رو شدند، سوار موتورسیکلت شدند و فرار کردند. اهالی محل فقط تماشاچی بودند و هیچ عکس‌العملی انجام ندادند. مردان قوی هیکلی که همه بدن خود را خالکوبی کرده‌اند و به قول خودشان از خوبان آن منطقه هستند، فقط صحنه را تماشا می‌کردند و جرئت نزدیک شدن به سارقان مسلح را نداشتند، به همین دلیل سارقان موفق به فرار شدند.

تکان بخوری شلیک می کنم بری بهشت زهرا

صاحب طلافروشی امین در ابتدای خیابان عباسی جنوبی، تقاطع خیابان هلال که مرد سالخورده‌ای بود، همزمان با بازسازی صحنه سارقان مسلح در مغازه‌اش ماجرای سرقت را شرح داد. وی گفت: ساعت ۱۱ و ۴۷ دقیقه روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ماه امسال داخل مغازه نشسته بودم که مرد نقابدار کوتاه قدی ناگهان وارد مغازه‌ام شد.

در حالی که به شدت شوکه شده بودم، مرد مسلح تفنگ را به سمتم نشانه گرفت و بعد از فحاشی از من خواست تا هیچ حرکتی نکنم. قصد داشتم آژیر خطر را به صدا در آورم که به من نزدیک شد و گفت تکان بخوری شلیک می‌کنم بری بهشت زهرا. خیلی ترسیده بودم و تسلیم او شدم تا اینکه همدستش در حالی که کلاه‌کاسکت به سر داشت، با ساکی وارد مغازه شد. سارق مسلح با تفنگ مرا نشانه گرفته بود و تهدید می‌کرد تکان نخورم و همدستش تمامی طلاها را که حدود ۵ کیلو و ۸۰۰ گرم بود، داخل ساک ریخت. آنها قصد داشتند به گاوصندوقم دستبرد بزنند که متوجه یکی از کاسب‌های محل شدند که به آنها شک کرده بود. سارق مسلح به همدستش گفت کاسب‌ها متوجه شده‌اند و بهتر است فرار کنند. پس از این هر دو از مغازه بیرون آمدند و من با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم. در چنین شرایطی اهالی محل به کمک من آمدند و همگی دو سارق را تعقیب کردیم که سارق مسلح تفنگش را به سمت مردم گرفت و برای ترساندن آنها یک تیر شلیک کرد. وقتی مردم صدای شلیک تیر را شنیدند، از تعقیب آنها منصرف شدند و دو سارق که موتورسیکلتشان را ابتدای خیابان پارک کرده بودند، سوار شدند و از محل گریختند. وی در پایان درباره عدم ایمنی مغازه‌اش گفت: مغازه من در خیابان شلوغی قرار دارد و ما هرگز فکر نمی‌کردیم که مورد دستبرد سارقان قرار بگیریم از طرفی هم این خیابان به خاطر اینکه مغازه طلافروشی زیاد دارد، همیشه مأمور پلیس در حال گشت زدن است، اما آن لحظه مأمور گشت برای پیگیری حادثه‌ای به خیابان دیگری رفته بود.

بازداشت ۲ مظنون در قتل‌های شهرستان سرباز

دادستان شهرستان سرباز گفت: دو مظنون به قتل‌های بخشداری شهرستان سرباز، همراه یک لباس آغشته به خون دستگیر شدند.

صادقی گفت: تحقیق از دو متهم در این باره جریان دارد. دو روز قبل دو فرد مسلح به بخشداری شهرستان سرباز یک بسیجی و یک سرباز را به شهادت رساندند و متواری شدند.

دستگیری قاتل فراری پس از ۱۲ سال

فرمانده انتظامی شهرستان سنقر و کلیایی گفت: فردی که در سال ۱۳۸۴ با استفاده از خودرو، بستگان خود را زیر گرفت و یک نفر را به قتل رساند، پس از ۱۲ سال دستگیر شد.

سرهنگ غضبان احمدی‌فرد توضیح داد: متهم ۴۵ ساله سال ۱۳۸۴ بعد از اینکه با خودرو اقدام به زیر گرفتن سه نفر از بستگان خود کرد که در نهایت منجر به قتل یک نفر از آنان شد، از محل متواری شد. وی ادامه داد: مأموران پلیس پس از ۱۲ سال متهم را در شهرستان ساوه شناسایی و بازداشت کردند. وی گفت: متهم در بازجویی‌های پلیس به جرم خود اعتراف و انگیزه قتل را اختلافات شخصی عنوان کرد، بر همین اساس جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

سقوط مرگبار در دانشگاه تهران

سقوط یک نفر در دانشگاه تهران سرنوشت مرگباری را رقم زد.

حسن عباسی، سخنگوی اورژانس تهران گفت: یک نفر از ارتفاع سه متری در دانشگاه تهران سقوط کرد که پس از اعلام حادثه به اورژانس، یک دستگاه آمبولانس به محل اعزام شد. سخنگوی اورژانس تهران افزود: مصدوم برای دریافت خدمات درمانی توسط آمبولانس به بیمارستان منتقل شد.

تیراندازی در بانک ملی ایذه

مأمور حراست بانک ملی در شهرستان ایذه برای خاتمه دادن به دعوای مرد بوکسور با یکی از کارمندان، اقدام به شلیک تیرهوایی کرد.

هاشم منصوری، مدیر بانک ملی ایذه توضیح داد: یک ورزشکار بوکسور روز گذشته با یکی از کارمندان درگیر شد و به جان وی افتاد. با شدت گرفتن درگیری مردم به وحشت افتادند و صدای جیغ و داد بانک را فراگرفت تا اینکه مأمور بانک تیراندازی هوایی و ورزشکار ضارب را دستگیر کرد. وی افزود: متأسفانه کارمند بانک در این درگیری بیهوش و به بیمارستان منتقل شد.

مرد همسرکش به مرگ محکوم شد

حکم قصاص مردی که از هفت‌سال قبل به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد، در دیوان عالی کشور تأیید شد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم ۴۰ ساله که علی نام دارد ۱۵ آبان‌ماه سال ۸۹ به اتهام قتل بازداشت شد. او عصر آن روز پلیس را از ماجرای خونین با خبر کرد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که زن جوان با اصابت ضربات چاقو کشته شده است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی علی مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: من راننده آژانس هستم. صبح مثل همیشه خانه را ترک کردم و ساعت ۱۸:۴۰ بود که به خانه برگشتم. هر چه زنگ زدم همسرم در را باز نکرد. کلید انداختم و وارد شدم. دیدم که او با ضربات چاقو هدف قرار گرفته و جان باخته است. بعد از دیدن جسد سیگار کشیدم و بعد به پلیس خبر دادم.

وقتی کارآگاهان در این باره تحقیق کردند، همسایه‌ها گفتند که علی ساعت ۱۰:۱۱ صبح در خانه بوده است. در جریان بررسی‌های بعد بود که علی به عنوان مظنون بازداشت شد. در حالی که متهم، قتل را انکار می‌کرد، او از زندان برای بازسازی به صحنه جرم منتقل شد. کارآگاهان آنجا بود که پیراهن خونی علی را پشت یکی از مبل‌ها پیدا کردند. گزارش پزشکی قانونی هم حکایت از این داشت که آثار خون متعلق به علی است. وقتی از او در این باره تحقیق شد، گفت که پیراهن خونی ارتباطی با ماجرای قتل ندارد. با کامل شدن تحقیقات بازپرس به دلیل وجود دلایل کافی، علی را مجرم شناخت و پرونده به شعبه ۷۱ وقت دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. هیئت قضایی هم بعد از بررسی اوراق پرونده علی را به قصاص محکوم کردند. با اعتراض علی به رأی پرونده، قضات دیوان عالی کشور درخواست تحقیق بیشتر را مطرح کردند. بنابراین علی بعد از انجام تحقیقات بیشتر به میز محاکمه بازگشت. قضات دادگاه این بار هم رأی به قصاص متهم دادند. رأی دادگاه این بار بعد از بررسی در دیوان عالی کشور تأیید و متهم در صورتی که موفق به جلب رضایت اولیای دم نشود، قصاص خواهد شد.

تسویه حساب‌های شخصی در فضای مجازی پیگرد قانونی دارد

رئیس پلیس فتای استان آذربایجان‌غربی از دستگیری فردی خبر داد که به دلیل اختلافات شخصی اقدام به انتشار عکس و مطالب غیراخلاقی در خصوص یکی از بستگان خود در فضای مجازی کرده بود.

سرهنگ حسن کوره‌بلاغی گفت: متأسفانه دامنه اختلافات فضای واقعی به فضای مجازی کشیده شد که توصیه می‌شود به هیچ‌وجه افراد نباید از فضای مجازی به عنوان ابزاری برای تسویه حساب‌های شخصی خود استفاده کنند، چون اقدام آنها پیگرد قانونی دارد و با متهمان برخورد جدی خواهد شد.

وی به پرونده‌ای اشاره کرد که فردی در فضای مجازی با انتشار تصاویر خصوصی و خانوادگی یکی از شهروندان در یکی از شبکه‌های اجتماعی اقدام به مزاحمت کرده بود. با شکایت شاکی، پرونده در این خصوص تشکیل و متهم شناسایی و دستگیر شد.

سرهنگ کوره‌بلاغی گفت: متهم در تحقیقات اعلام داشت که بنده یکی از بستگان شاکی هستم و به علت اینکه وی به من بدهکار است و به موقع بدهی خود را پرداخت نکرده بود، بنده با سوءاستفاده از نسبت فامیلی، تصاویر شخصی و خانوادگی وی را به دست آوردم و از این طریق اقدام به تهدید شاکی کردم که در صورت عدم پرداخت بدهی خود اقدام به انتشار تصاویر خواهم کرد. سرهنگ کوره بلاغی ضمن اشاره به اینکه علت اصلی چنین مشکلاتی سهل‌انگاری و عدم حفاظت از اطلاعات شخصی خود است به شهروندان توصیه کرد: برای جلوگیری از چنین مشکلاتی هرگز به دیگران اعتماد نکنید، اطلاعات و تصاویر خود در اختیار آنان قرار ندهید، برای گوشی و کامپیوترهای شخصی خود از پسوردهای قوی استفاده کنید.

انتقام مرگبار از عامل مرگ برادر

رئیس پلیس راه استان همدان گفت: راننده یک دستگاه کامیون تریلی برای انتقام خون برادر خود در یک تصادف ساختگی دو نفر را زیر گرفت.

سرهنگ رضا عزیزی توضیح داد: سال گذشته بر اثر برخورد یک دستگاه سواری سمند با موتورسیکلت، راکب موتورسیکلت جان خود را از دست داد. با وجود گذشت یک‌سال از سانحه، برادر متوفی نقشه انتقام را در سر می‌پروراند. وی ادامه داد: راننده سمند به همراه دوست خود به صورت پیاده در حال گشت‌زنی روی زمین‌های کشاورزی بودند که راننده تریلی در یک اقدام از پیش طراحی شده هنگام تردد از این مسیر خودروی خود را به سمت آنها منحرف می‌کند و بعد از تصادف به مسافت حدود نیم کیلومتر جسم این دو فرد را در زیر کامیون و روی زمین‌های کشاورزی می‌کشد. سرهنگ عزیزی افزود: در این سانحه راننده سمند که راننده تریلی قصد انتقام از او را داشت به کما رفته است و دیگر عابری که نقشی در این قضایا نداشت، جان خود را از دست داد. وی اضافه کرد: راننده تریلی در اظهارات ضد و نقیض خود عمدی بودن این سانحه را رد کرد، ولی با وجود مستندات انکار ناپذیر موضوع انتقام‌گیری را نتوانست کتمان کند. وی گفت: هم اینک برای این فرد در دادسرای بهار همدان پرونده تشکیل شده است.

کشف بیش از ۱۴ تن انواع موادمخدر در هفته چهارم مرداد

معاون مقابله با عرضه و امور بین‌الملل ستاد مبارزه با موادمخدر از کشف ۱۴ تن و ۴۱۸ کیلوگرم انواع مواد مخدر و روان‌گردان در هفته چهارم مردادماه خبر داد.

اسداله هادی‌نژاد گفت: کل کشفیات موادمخدر در این مدت ۱۴ هزار و ۴۱۸ کیلوگرم و بیشترین حجم مواد مکشوفه از نوع تریاک به میزان ۱۱ هزار و ۸۰ کیلوگرم بوده است که ۷۶ درصد از مجموع کشفیات را شامل می‌شود. وی افزود: در این مدت نیز هزار و ۲۳۳ مرفین، ۶۶۶ کیلوگرم هروئین، ۶۴۷ کیلوگرم حشیش و ۵۸ کیلوگرم شیشه و ۷۳۱ کیلوگرم سایر مواد کشف و ضبط شده است. وی گفت: بیشترین حجم کشفیات با ۲ هزار و ۷۸۷ کیلوگرم مربوط به استان سیستان و بلوچستان است که معادل ۱۹ درصد کشفیات کشور می‌باشد و استان‌های بوشهر، کرمان، خراسان رضوی، تهران و هرمزگان به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این مقام مسئول در بخش دیگری از سخنان خود گفت: جمع کل دستگیری‌های این دوره ۸ هزار و ۵۳۷ نفر بوده که از این تعداد ۷ هزار و ۴۳۶ نفر در طرح‌های پاکسازی دستگیر شده‌اند و مابقی مربوط به دیگر عملیات‌ها هستند.

نقش ۵۵ درصدی سواری‌ها و موتورسیکلت‌ها در سوانح تیرماه

رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا گفت: ۵۵ درصد سوانح رانندگی تیرماه را خودروهای سواری و موتورسیکلت‌ها رقم زده‌اند.

سرهنگ نادر رحمانی ادامه داد: در این مدت موتورسیکلت‌ها در ۳۲ درصد کل تصادفات نقش داشته‌اند.

رحمانی ادامه داد: در تیرماه سال ۹۶، مسافربری‌های عمومی، با سهم نزدیک به ۹ دهم درصد کمترین نقش را در تصادفات تیرماه امسال داشته‌اند.

باشگاه حقوقی

اقسام تأمین

تأمین در قانون آیین دادرسی مدنی به معنی توقیف اموال منقول و غیرمنقول است. اگر شکایت مطرح شده در دادگاه در مورد مالی معین است که توقیف آن نیز ممکن می‌باشد، در این‌صورت دادگاه باید آن مال را توقیف کند و نمی‌تواند مال دیگری را به جای آن توقیف کند، اما در صورتی که خواسته دعوی مال معینی نباشد یا مال معین باشد، ولی توقیف آن ممکن نباشد، در این صورت دادگاه معادل قیمت آن مال، از سایر اموال فردی که علیه او شکایت‌شده توقیف می‌کند. البته این فرد می‌تواند به جای مالی که دادگاه می‌خواهد توقیف کند و یا توقیف کرده، وجه نقد یا اوراق بهادار به اندازه همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانک‌ها ودیعه بگذارد.

همچنین می‌تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بکند، مشروط به اینکه مال پیشنهاد شده از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده کمتر نباشد. اگر هم مالی که دعوی بر سر آن مطرح است، توقیف شده باشد، تبدیل تأمین یا توقیف مال دیگری به جای آن، بستگی به رضایت شاکی دارد. درخواست تبدیل تأمین که همان توقیف مال دیگر است، از دادگاهی می‌شود که قرار تأمین را صادر کرده است. دادگاه نیز مکلف است در مدت دو روز به درخواست تبدیل تأمین رسیدگی و قرار لازم را صادر کند.